

# مؤسسهٔ وعظ و خطابه

## مسعود کوهستانی نژاد

گونه‌گون این دوره، عی‌الخصوص فعالیت‌های فرهنگی — که مورد بی‌مهری کلی مورخین و تحلیل‌گران بوده — تأثیر منفی می‌گذارد.

۳ — در دیدگاه اکثر مورخین و محققین، کشاکش و درگیری نهاد روحانیت و دولت، در دوره مورد بحث، از جنبه سیاسی مورد توجه بوده است.<sup>۵</sup>

۴ — کوتاه بودن مدت فعالیت مؤسسهٔ وعظ و خطابه (دو سال)، باعث نادیده گرفته شدن فعالیت آن می‌شود.

در مجموع، رژیم پهلوی اول، پس از استقرار (در سال ۱۳۰۴ ش)، این نکته را به خوبی متوجه شد که جهت استقرار کامل دولت، و قدرت‌یابی آن، باید با روحانیت — که از دورهٔ قاجار قدرت سیاسی پیدا کرده، و ب پایگاه سیاسی بالقوه و بالفعلی که داشت، می‌توانست علیه رضاشاه و حکومت نظامی وی قیام نموده، مانع تحقق افکار وی گردد — رویاروی شود.<sup>۶</sup> در نتیجه بسیار طبیعی است که دولت رضاشاه، درصدد برخورد با روحانیت باشد؛ ولی این برخورد (به غیر از دو نمونه)، به دلیل قوی بودن پایگاه روحانیت و نفوذ آن در بین مردم، نمی‌توانست به‌طور مستقیم انجام گیرد؛ بلکه شیوه‌هایی لازم بود که در ضمن آن بتوان نه به‌طور علنی، بلکه به شکل کاملاً غیرمستقیم، برخورد نمود.

در تحلیل کلی، اگر روحانیت را در دوران رضاشاه، به عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی و سیاسی تلقی کنیم، برخورد رژیم و دولت حاکم با نهاد مزبور، به‌طور خلاصه از این قرار بود:

دولت در ابتدا سعی کرد به وسیلهٔ صدور «جواز عمامه» [که از سال ۱۳۰۸ ش اعمال شد] نظارت و کنترل شدید پلیسی بر وضعیت روحانیت داشته باشد. (سند شماره ۱ و ۲). پس از گذشت چند سال، دو طرح مبارزهٔ فرهنگی با روحانیت نیز از سوی دولت اجرا شد. طرح اول ایجاد مرکزی جهت ساختن روحانی<sup>۷</sup> (سند شماره ۳)، و طرح دوم، تغییر محتوای فکری روحانیت، و وابسته نمودن آن به دولت بود. در واقع دولت با اجرای دو طرح مزبور، ضمن قبول واقعیتی به نام روحانیت، و نقش آن در اجرای سیاست‌های داخلی<sup>۸</sup>، به نوعی سعی در به زیر سنطه درآوردن نهاد مزبور داشت.

هریک از سه طرح مزبور (کنترل و نظارت — ایجاد نهاد

درخصوص فعالیت مؤسسه‌ای به نام وعظ و خطابه، تعدادی سند در سازمان اسناد ملی ایران وجود دارد؛ و براساس آن‌ها می‌توان دریافت، مؤسسهٔ مزبور وابسته به دانشکدهٔ معقول و منقول بوده، و کار رسمی آن از مهر ماه سال ۱۳۱۵ ش آغاز، و در مهر ماه سال ۱۳۱۷ ش رسماً پایان یافته است.

در میان تعداد محدود کتبی که در خصوص وضعیت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دورهٔ شانزده ساله رضاشاه تالیف شده، اوراق بسیار کمی به بررسی وضعیت فرهنگی این دورهٔ ۱۶ ساله (۲۰-۱۳۰۴ ش) اختصاص یافته است. شاید گذشته از خاطرات کسانی چون عیسی صدیق<sup>۱</sup> و دولت‌آبادی<sup>۲</sup>، به کتاب دیگری نتوان اشاره نمود، که در آن سیاست‌های فرهنگی اتخاذ شده در این دوره مشروحاً بررسی شده باشد. تالیفات اندک فوق نیز عمدتاً به چگونگی شکل‌گیری نهادهای آموزشی آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها اختصاص می‌یابند؛ به نحوی که در مجموعهٔ کتبی که درخصوص جنبه‌های گوناگون دورهٔ رضاشاه تالیف گردیده، و در دسترس نگارنده قرار دارد، تنها در یک مورد اشارهٔ کوتاهی به تشکیل مؤسسهٔ وعظ و خطابه می‌شود.<sup>۳</sup> و ضمیمهٔ این اشارهٔ کوتاه نیز نمی‌تواند مبین هیچ‌گونه دیدگاه یا تحلیلی خاص از عملکرد و جایگاه مؤسسهٔ مذکور باشد. در نشریات چاپ شده در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۱۵ ش نیز چند بار اشاره به این موضوع می‌شود، مهم‌ترین منبع، مجلات تعلیم و تربیت (که در سال ۱۳۱۷ ش، به مجلهٔ آموزش و پرورش تبدیل شده<sup>۴</sup>) می‌باشد. در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۱۵ ش، در این نشریه اخباری در ارتباط با تشکیل و بیلان کار مؤسسهٔ وعظ و خطابه وجود دارد.

درخصوص علت قلت منابع، راجع به فعالیت مؤسسه، می‌توان به عوامل زیر اشاره نمود:

۱ — فعالیت مؤسسهٔ وعظ و خطابه، به دلیل وابستگی آن به دانشکدهٔ معقول و منقول [الهیات فعلی] تحت‌الشعاع دانشکدهٔ مزبور قرار گرفته بود و اغلب آن را جزئی از دانشکدهٔ مزبور می‌دانستند.

۲ — اندک بودن منابع و اسنادی که از دورهٔ رضاشاه موجود است، بر روی روند چاپ کتاب‌ها و تحلیل‌های جدید در مورد ابعاد

مشابه - تغییر) بر اساس مقدماتی اجرا شد و به نتایج خاص خود رسید. از میان سه طرح مزبور، طرح‌های کنترل و نظارت (جواز عمامه) و ایجاد نهاد مشابه (دانشکده معقول و منقول) نیاز به مبحثی دیگر، و بررسی جداگانه و دقیق دارند و ما در این جا بحث پیرامون طرح سوم را، که همان مؤسسه وعظ و خطابه باشد، آغاز می‌کنیم.

### مؤسسه وعظ و خطابه:

۱- انگیزه تشکیل: انگیزه تشکیل مؤسسه، به چند موضوع باز می‌گردد، که ذیلأ هر یک را بیان می‌کنیم:

الف) انگیزه فرهنگی: پس از تشکیل دانشکده معقول و منقول، و آغاز تربیت روحانی توسط اساتید این دانشکده، مشکل اصلی این بود که با روحانیت موجود چه باید کرد؟ تعداد زیاد افراد روحانی قدرتمند بودن ارتباط آنان با یکدیگر، و رابطه قوی آنان با مردم، عوامل مورد توجه دولت وقت بودند. دولت مردان در تحلیل نهایی به این نتیجه رسیدند که ضمن آشنا نمودن (اجباری) روحانیت با علم جدید، و وابسته نمودن سیاسی به دولت، می‌توان آنان را تغییر داد.

ب) انگیزه سیاسی: در فاصله تشکیل دانشکده معقول و منقول<sup>۱</sup>، و تشکیل مؤسسه وعظ و خطابه، چند رویداد بسیار مهم اتفاق افتاد که هر یک به نوبه خود می‌تواند انگیزه‌های مهمی جهت تشکیل مؤسسه مزبور باشد:

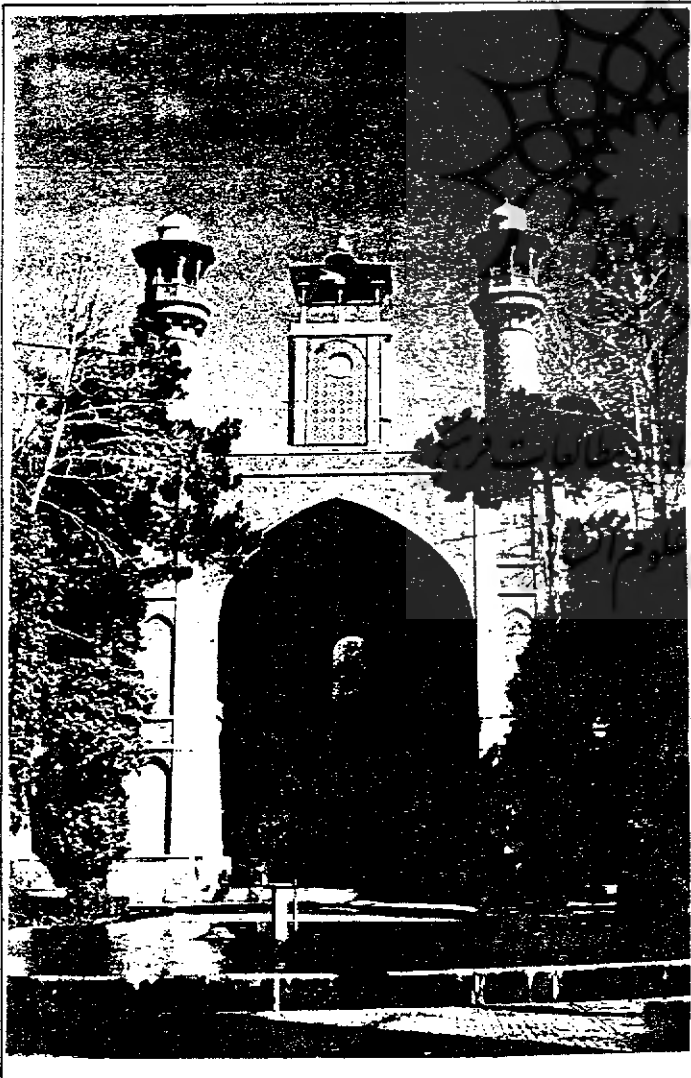
۱- پس از بازگشت رضاشاه از ترکیه، موج اصلاحات جدیدی که از آن‌ها می‌توان به عنوان سوغات ترکیه نام برد<sup>۲</sup>، در ایران پدیدار شد. مهم‌ترین این اصلاحات، تغییر لباس و مسئله کشف حجاب بود. از اواخر سال ۱۳۱۳ ش که مقدمات کشف حجاب به تدریج فراهم می‌گشت، واکنش‌های روحانیون، در شهرهای شیراز<sup>۳</sup> و مشهد<sup>۴</sup>، در خصوص مقابله با مقدمات کشف حجاب (کلاه شاپو - لباس متحدالشکل و...) <sup>۵</sup> و از همه مهم‌تر واقعه مسجد گوهرشاده<sup>۶</sup>، نمایانگر این نکته مهم بودند که روحانیت هنوز هم - با وجود کنترل بسیار شدید و سنگین پلیس و نظامیان رضاشاه - قادر است موج مخالفت را علیه اصلاحات رضاشاه ایجاد کند. و احتمالاً این نکته در ذهن طراحان، متفکران، نظریه‌پردازان دولت رضاشاه شکل گرفت که تنها با فشارهای پلیسی و ایجاد اختناق، نمی‌توان روحانیت را محدود و کنترل نمود.

۲- مسئله بسیار مهم و حیاتی، موضوع کشف حجاب و اعلان رسمی آن بود. کشف حجاب به عنوان مهم‌ترین مبارزه دولت رضاشاه، علیه مذهب و روحانیت موجود، قلمداد می‌شود. و به خاطر اهمیت این موضوع، بسیار طبیعی است که حساسیت دولت حاکم

-نسبت به روحانیت- پس از موضوع کشف حجاب بیش‌تر می‌شود. و احتمالاً به همین سبب موضوع مؤسسه وعظ و خطابه، به فاصله کمی پس از اعلان رسمی کشف حجاب<sup>۷</sup>، طرح می‌شود. به توجه به انگیزه‌های فوق، احتمالاً طراحان دولت رضاشاه به این نتیجه رسیدند که علاوه بر کنترل و نظارت بر روحانیت، لازم است به کار و فعالیت فرهنگی کوتاه‌مدت، سعی در تغییر اندیشه و تفکر روحانیت شود. و این کار جز با تشکیل مؤسسه وعظ و خطابه میسر نمی‌شد. البته در آن زمان فعالیت دانشکده معقول و منقول آغاز شده بود؛ ولی این فعالیت در درازمدت تاثیر خود را می‌بخشید؛ و در آن زمان دولت حاکم بیش‌تر به فکر راه‌حل‌های کوتاه‌مدت بود، تا دل بستن به برنامه‌های درازمدت.

### ۲- اهداف و تشکیلات:

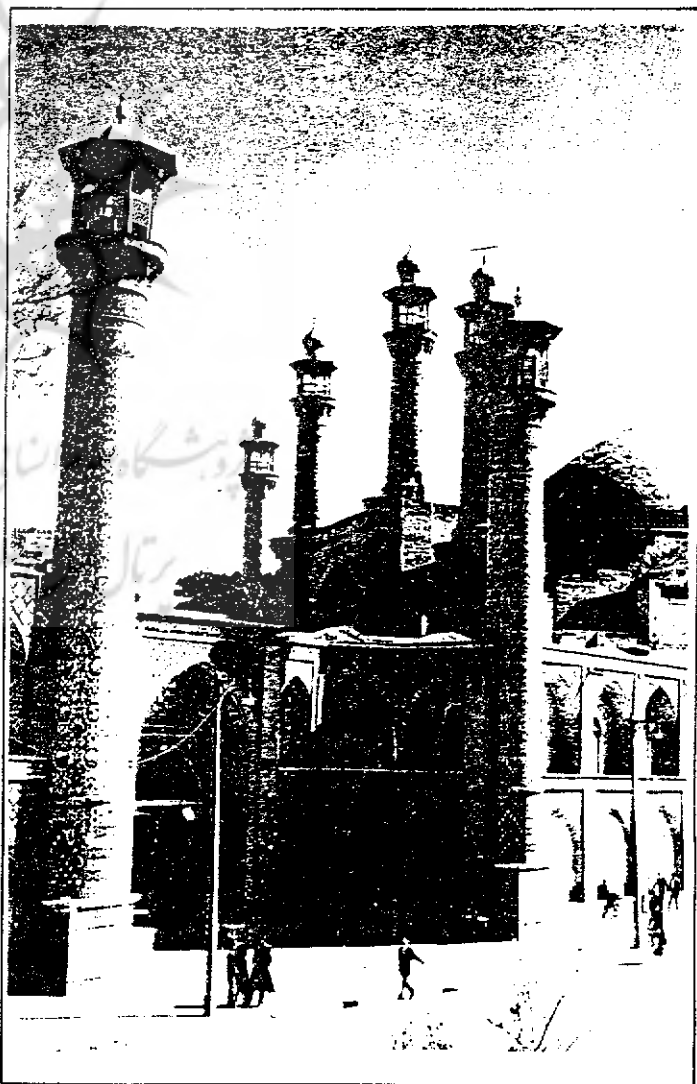
الف) برطبق ماده اول فصل اول اساس‌نامه مصوب ۱۹ خرداد ۱۳۱۵ ش (سند شماره ۴) هدف از تشکیل مؤسسه مزبور، تربیت اکابر می‌باشد. در ماده دوم قید شده «وعاظی که سوء سابقه نداشته



سید بهلول از محل شکل کلاسه‌های مؤسسه وعظ و خطابه

باشند، و برای وعظ و خطابه معلومات کافی داشته، از طرف وزارت معارف تعیین، و برای تربیت اکابر فعالیت می‌کنند. در صورتی که بخش پایانی ماده ششم این چنین است: «پس از خاتمه دوره اول مدرسه وعظ و خطابه، فقط کسانی حق وعظ خواهند داشت که با امتحانات مربوط به این شعبه [منظور مؤسسه وعظ و خطابه است] را گذرانده، و در طبق نظامنامه مخصوصی مجاز وعظ [که در واقع همان جوze نامه است] داشته باشند.» به نظر می‌رسد نوعی تناقض در ماده دوم، و بخش دوم ماده ششم وجود دارد. در آنجا قید «از میان کسانی که» یعنی بخشی از روحانیت، منظور نظر می‌باشد، که پس از دیدن آموزش‌های مربوط، برای تربیت اکابر تعیین می‌شوند. در صورتی که بخش دوه ماده ششم بر کلیه روحانیت دلالت دارد.

ب) تذکر این نکته بسیار به جا است که اساس نامه مزبور، مخصوص تربیت اکابر بوده، از سه فصل تشکیل می‌یابد، که به ترتیب عبارتند از: فصل اول: مجالس وعظ و خطابه؛ فصل دوم:



کنفرانس‌های عمومی؛ فصل سوم: تعلیم تاریخ معاصر. هر کدام از موضوعات فوق، دارای اهداف جداگانه و برنامه‌های خاص خود می‌باشد.

هدف از کنفرانس‌های عمومی: «[بیان] خطابه‌هایی در زمینه مسائل تاریخی، اخلاقی، صحیحی، ادبی، اجتماعی و اصول تجددخواهی و میهن پرستی و شاه دوستی و آشنا نمودن عموم به ترقیت روزافزون کشور در عصر جدید» بود.

و هدف از تعلیم تاریخ معاصر: «[آموزش] اهمیت عصر جدید ایران به شاگردان در دانش سرازهای عالی و دانش سرازهای مقدماتی و مدارس ابتدایی و متوسطه» می‌باشد.

ج) در فصل اول اساس نامه مربوطه، پیش بینی تشکیل «مدرسه‌ی مخصوص وعظ و خطابه، در دانشکده علوم معتول و منقول شده، که تربیت وعاظ صالح را بر عهده داشت.»

د) مؤسسه وعظ و خطابه، با توجه به ماده ۲ فصل اول اساس نامه، در آنجا که تصدیق صلاحیت و عدم سوء سابقه وعاظ مطرح می‌شود، با شهربانی در تماس بوده، و کار فوق به عهده شهربانی می‌باشد.

ه) بودجه این مؤسسه از دو طریق تأمین می‌شد. آن قسمتی از بودجه که مربوط به دبیرستان و تشکیلات مؤسسه (نظیر پرداخت حقوق معسین و...) بود، از طریق بودجه دولتی تأمین می‌شد. و هر سال در بودجه کل معارف، بخشی به تأمین هزینه‌های این مؤسسه اختصاص می‌یافت. بخشی دیگر از هزینه این مؤسسه، مربوط به تأمین هزینه معیشت وعاظی می‌شد، که در ارتباط با مجالس وعظ و خطابه فعالیت می‌کردند. ماده سوم از فصل اول اساس نامه «اوقاف مجهول المصروف معتذرالمصرف، بریات مطلقه» را محل تأمین بودجه مزبور دانسته؛ و در نتیجه، بودجه کلی مؤسسه، از دو محل اوقاف و دولت تأمین می‌شد.

و) ماده سوم از فصل اول اساس نامه مزبور، بودجه فوق را به منظور «استخدام وعاظ»، در جهت اجرای اهداف مذکور تأمین می‌نماید. و در اصلاحیه‌ای که در تاریخ ۶ تیر ۱۳۱۵ ش (سند شماره ۵) بر ماده مزبور افزوده می‌شود، بودجه‌ای که از محل اوقاف تأمین می‌گشت، «جهت کمک به معیشت وعاظ» در نظر گرفته شد.

با توجه به موضوعات فوق الذکر، مسائل زیر روشن می‌شود:

۱-۲- وجود مغایرت در ماده ۲ و ۶، در خصوص برخورد با روحانیت، و همچنین مختصر بودن فصل اول اساس نامه، که مربوط به موسسه می‌شود، بیانگر نوعی از شتاب زدگی در خصوص آغاز کار

۲-۲- نکته اساسی در مورد بن اساس نامه، وجود سه بخش جداگانه در آن است؛ به این نحو که همزمان با شروع کار مجالس خطابه، و گسترش تعالیم مربوط به تاریخ معاصر، فعالیت مؤسسه وعظ و خطابه آغاز می شود. به عبارتی دیگر با توجه به این اساس نامه، می توان این نکته را مطرح نمود که احتمالاً فعالیت مؤسسه مزبور، در بستری یک سلسله فعالیت فرهنگی قرار گرفته، و به عنوان جزئی از یک طرح کلی تربیتی باید تلقی شود.

### ۳- کتب و مواد درسی:

هر دوره تحصیلی مؤسسه مزبور در سال طول می کشیده؛ که هر سال متعلمین، دروس اختصاصی و همچنین دروس مشترک را می گذراندند. (سند شماره ۶) مجموعه مواد اختصاصی سال اول و مواد مشترک آن، ۱۷ ساعت در هفته بود؛ و مجموع ساعات دروس اختصاصی و عمومی سال دوم، بالغ بر ۱۶ ساعت می شد. مؤسسه به دو طریق، خدمات آموزشی خود را ارائه می داد. در تهران، به واسطه تشکیل کلاس ها، و در شهرستان ها طرح آموزش مکاتبه ای در جریان بود؛ به این طریق که هریک از دروس را به صورت گروه ای چاپ می کردند و برای شهرستان ها می فرستادند (سند شماره ۷) و کسانی که در مؤسسه عضو بودند، موظف به خواندن آنها می شدند. و در پایان هر سال، در امتحان نهایی - که در محل مؤسسه در تهران برگزار می شد - شرکت می کردند و در صورت قبولی، به مرحله بالاتر (سال دوم)، و یا به اخذ مدرک مؤسسه نائل می آمدند. از سویی دیگر، مقررات مربوط به سن و تحصیلات شرکت کنندگان نیز حائز اهمیت است؛ در تهران افراد بیش تر از ۳۵ سال<sup>۱۷</sup> نمی توانستند در این مؤسسه شرکت کنند، ولی در شهرستان ها، احتمالاً شرط سنی وجود نداشته است. شرط عمومی درخصوص پایه تحصیلات، «دارا بودن معلومات فارسی و عربی در حد دوره دوم متوسطه بود»؛ موضوعات درسی و مقدار هریک از آنها، طی سندی بازگوشده است.<sup>۱۸</sup>

### ۴- داوطلبان:

به علت تغییراتی که در شیوه گزینش مؤسسه در ابتدای کار رخ داد، بهتر است مروری بر شرایط این داوطلبان داشته باشیم. همان طور که قبلاً گفته شد، براساس تصویبیه ۳ شهریور ماه، در مورد تحصیلات تکمیلی مؤسسه (سند شماره ۶) در شهرستانها، ملاک پذیرش افراد، داشتن تحصیلاتی در حد دوم متوسطه بود؛ ولی به دلیل این که اکثر قریب به اتفاق معتمنین در آن زمان، اولاً تحصیلاتشان در حد مورد لزوم نبود، ثانیاً سنین آنان نیز متفاوت بود

- عینی الخصوص عده ای از محبتین و وعظ و روحانیونی که سنشان زیاد بود، نمی توانستند بازدهی خوبی در کلاسها داشته باشند - این بود که در تیر ماه ۱۳۱۵ ش پس از گفتگوها و تشکیل کمیسیون ها، قرار بر این شد که روحانیون به دو دسته تقسیم شوند، عده ای کمتر از ۳۵ سال، و عده ای بیش تر از ۳۵ سال؛ که از آنها به عنوان پیرمردهای محدثین تعبیر می شه. طبق رأی نهایی این کمیسیون، افرادی که کم تر از ۳۵ سال سن دارند، یا باید در کلاس های مؤسسه وعظ و خطابه شرکت کنند، و یا به لباس متحدالشکل درآیند. افرادی نیز که بیش از ۳۵ سال سن دارند، نیازی به شرکت در کلاس های مربوطه نداشتند. (سند شماره ۸ و ۹) درخصوص افرادی که بین ۳۵ سال و ۴۵ سال سن داشتند نیز - به دلیل قنوت فرد شرکت کننده - پس از مکاتباتی چند، قرار شد به آنها ابلاغ کنند که در کلاس های مزبور شرکت نمایند، وگرنه به لباس متحدالشکل درمی آیند. (سند شماره ۱۰)

### ۵- برخورد با روحانیون:

در نهایت مؤسسه وعظ و خطابه، فعالیت رسمی خود را از ۲۵ مهر ماه (سند شماره ۹) ۱۳۱۵ ش آغاز کرد؛ کلاس ها تشکیل شد و تا اول مهر ماه ۱۳۱۷ ش فعالیت این مؤسسه ادامه داشت. (سند شماره ۱۲) درخصوص چگونگی برخورد روحانیون با مؤسسه، اسناد کمی در اختیار است. در مجموعه سند شماره ۱۰ انعکاس از عدم استقبال روحانیت دیده می شود (گزارش حکومت تهران به رئیس الوزراء در تاریخ ۱۳۱۵/۷/۳۰ ش، به نمره ۴۱۱۴). گذشته از این نمونه، چندین مورد دیگر نیز در رابطه با درخواست شرکت، در موسسه و جواز وعظ و خطابه روحانیونی که در این موسسه تحصیل می کرده اند، وجود دارد. (سند شماره ۱۱) نمونه های مزبور از سال ۱۳۱۶ ش تا ۱۳۲۲ ش را در بر می گیرد، و نشان دهنده این واقعیت است که پس از برچیده شدن مؤسسه مزبور، هنوز قوانین و مقررات آن به اعتبار خود باقی بوده است؛ و روحانیونی که کلاس مزبور را نگذرانده بودند، باز هم نمی توانسته اند به فعالیت خود ادامه دهند؛ و حکومت مانع فعالیت آنها می شده. (اسناد ۱۲ و ۱۳)

پس از برچیده شدن مؤسسه وعظ و خطابه، مؤسسه ای که درخصوص کنترل روحانیت تأسیس شده بود، بقیه اهرم های کنترلی که از سوی دولت حاکم رضاشاه، درخصوص فعالیت روحانیت، از آنها استفاده می شد، کما فی السابق فعال بودند؛ حتی در دوره ای که مؤسسه وعظ و خطابه در آغاز راه تأسیس بود این اهرم ها به فعالیت خود ادامه می دادند<sup>۱۹</sup> و صدور جواز روحانیت - «یا همان جواز عمامه» - کماکان معمول بود<sup>۲۰</sup>. مجموعه سندی مرتبط با

الف) احتمالاً یکی از علل انحلال، وجود مشابهت میان فعالیت دو ارگان مؤسسه وعظ و خطابه، و دانشکده معقول و منقول بود. با توجه به نزدیکی محتوای دروس هر دو ارگان مزبور، و وابستگی تشکیلاتی آنان به یکدیگر، احتمالاً با مقداری تغییر مختصر، دانشکده همان فعالیت مؤسسه را می‌توانست ارائه کند.

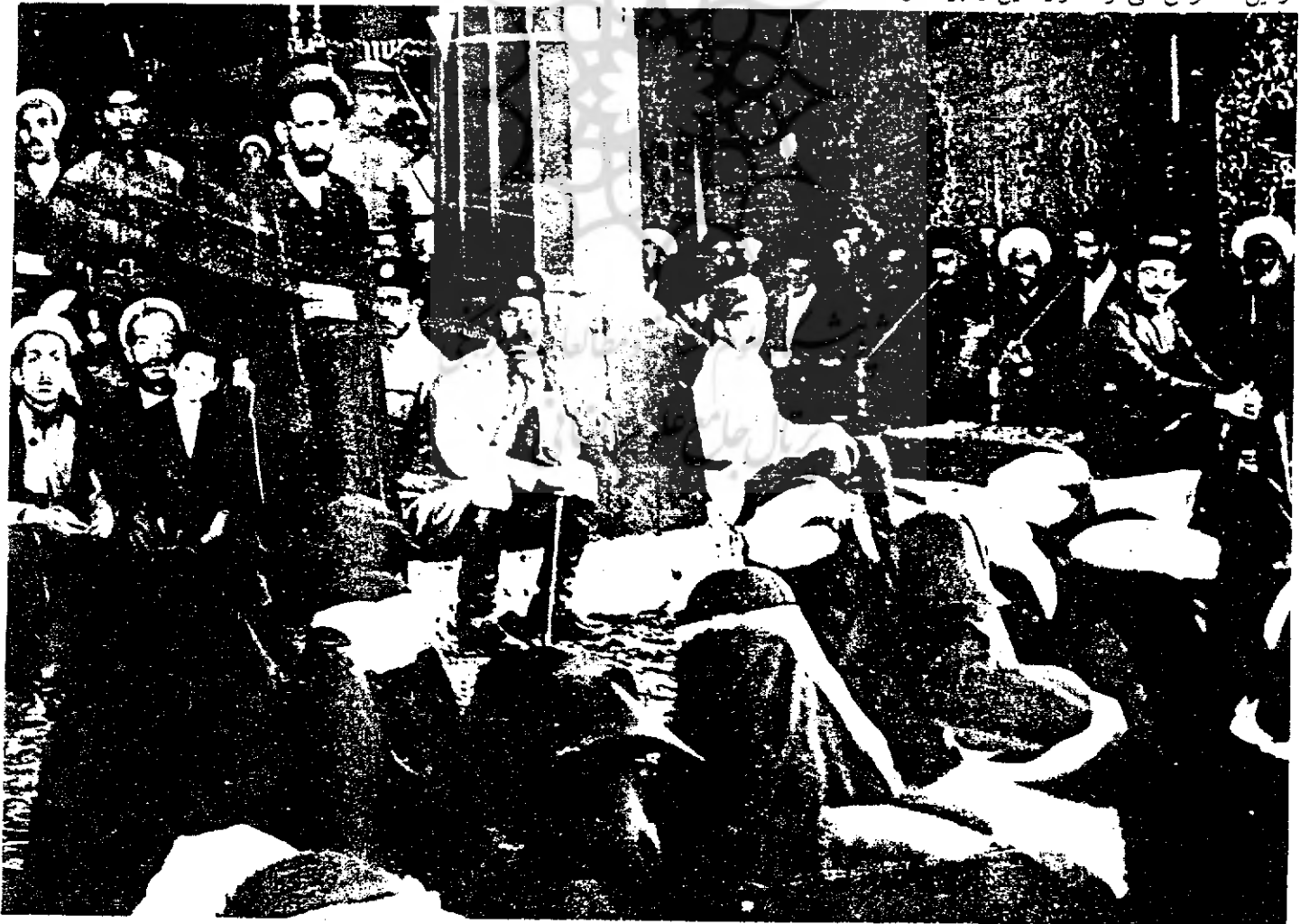
ب) یکی دیگر از علل، می‌تواند کمبود بودجه باشد. بدین معنا که در دوره رضاشاه، مقدار بسیار کمی از بودجه کل کشور به وزارت معارف اختصاص می‌یافت؛ و چون سال‌های ۱۸-۱۳۱۴ ش نیز از دوره‌های بسیار فعال وزارت‌خانه مزبور بود، به همین سبب، کمبود بودجه، یکی از مواردی است که می‌توانست به‌طور طبیعی، علت ملغی شدن بسیاری از فعالیت‌های وزارت معارف (منجمله فعالیت مؤسسه) باشد.

ج) در حین بررسی اسناد مؤسسه، به چند مورد از شتابزدگی‌هایی که درخصوص اساس‌نامه و برنامه‌ریزی مؤسسه مزبور انجام شده بود، برمی‌خوریم؛ و لازم است یادآور شویم، این احتمال وجود دارد که یکی از علل انحلال مؤسسه مزبور، همین شتابزدگی در برنامه‌ریزی‌های آن باشد.

اعمال فشار دستگاه حاکمه بر روحانیت — و درخصوص تغییر لباس آنان و عکس‌العمل عده‌ای از روحانیون در شهرهای بروجرد و تهران و یزد — وجود دارد<sup>۲۱</sup>. و در نهایت، وضعیت صدور گواهی‌نامه‌های جواز عمامه را در سال ۱۳۱۸ ش، یک سال پس از انحلال مؤسسه وعظ و خطابه، در سند شماره ۱۴ می‌توان ملاحظه نمود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، یکی از شرایط صدور پروانه برای طلاب، داشتن گواهی‌نامه از وزارت فرهنگ (وزارت معارف) می‌باشد، که مقصود از این گواهی‌نامه احتمالاً همان گواهی‌نامه گذراندن دوره دو ساله مؤسسه وعظ و خطابه می‌باشد.

#### مؤخره:

آشنایی مختصری با آنچه که تاکنون در لابه‌لای اسناد سازمان ملی ایران یافت شده است، مروری مجدد و کلی بر چگونگی کار و فعالیت این مؤسسه را ضروری جلوه می‌دهد. بخش پایانی مقاله را به بیان علل انحلال مؤسسه مزبور اختصاص می‌دهیم. تشکیلات مؤسسه وعظ و خطابه، پس از عمری بسیار کوتاه، (رسماً دو سال، و به‌طور غیررسمی تقریباً نزدیک به سه سال) منحل شد؛ در این خصوص می‌توان موارد ذیل را بر شمرد:



یکی از مجالس وعظ و خطابه

د) وجود روحیه پلیسی و نظامی در دولت حاکم، باعث عدم انعطاف‌پذیری دولت می‌شده؛ بدین معنی که راه‌حل‌های سریع و خشک و قاطع نظامی بیشتر مورد پسند دولت رضاشاه قرار می‌گرفت؛ و طبیعتاً راه‌حل‌های فرهنگی از اهمیت ثانوی برخوردار بودند. تشکیل مؤسسه، احتمالاً در نتیجه تلاش عده‌ای از نظریه‌پردازان دوره رضاشاه بود؛ و ایشان باعث به وجود آمدن تشکیلات مزبور شده‌اند؛ زیرا بسیار بعید است که تشکیل و برنامه‌ریزی مؤسسه از سوی رضاشاه - نظامی بی‌سواد - و یا دیگر امرای ارتش صورت گرفته و پیش‌نهاد شده باشد. و در ضمن عدم تطبیق و سنخیت روحیه نظامی و بافت خشن دولت حاکم، با چنین برنامه‌های فرهنگی را نیز احتمالاً می‌توان جزو علل انحلال مؤسسه مزبور دانست.

ه) به عنوان آخرین احتمال، می‌توان در کل، از عدم استقبال روحانیت از طرح مزبور، و عدم شرکت افراد در کلاس‌های آن، به عنوان مهم‌ترین عامل انحلال این مؤسسه یاد کرد. زیرا همان‌گونه که در بررسی اسناد یادآوری شد، در ابتدای کار که تمام هم و غم دولت‌مردان، بر شرکت هرچه بیشتر و گسترده‌تر روحانیت مؤسسه مزبور قرار داشت، تعداد افراد شرکت‌کننده آن قدر کم بود که مجبور شدند ملاک سنی را از ۳۵ سال به ۴۵ سال برسانند. و احتمالاً در سال بعد هم به دلیل شرکت بسیار کمتر روحانیون، برنامه‌ریزان این مؤسسه، و وزارت معارف به این نتیجه رسیدند که وجود مؤسسه - برای این تعداد اندک - بیهوده است و ناگزیر تصمیم به انحلال آن گرفتند.

در تحلیل نهایی، فعالیت مؤسسه را می‌توان در دو مجموعه، و از دو دیدگاه، مورد بررسی قرار داد:

۱ - مؤسسه وعظ و خطابه را جزئی از سیستم و کارکرد دولت حاکم برعلیه روحانیت بدانیم؛ که در این سیستم، برنامه «جواز عمامه» و فعالیت «دانشکده معقول و منقول» جای دارد.

۲ - از سوی دیگر، با توجه به این که اساس نامه مؤسسه وعظ و خطابه، همراه با اساس نامه کنفرانس‌ها آمده، و یکی از اهداف آن نیز تبلیغ سیاست‌های رژیم حاکم بود، و همچنین با عنایت به عمر بسیار کوتاه آن، و به خصوص با توجه به این که در همان هنگام انحلال مؤسسه وعظ و خطابه، سازمان پرورش افکار، مهم‌ترین ارگان تبلیغی دولت در سه سال آخر سلطنت رضاشاه، در تدارک برنامه‌های تبلیغی بسیار وسیع و منظمی بود، می‌توان این احتمال را طرح نمود که مؤسسه وعظ و خطابه، جزئی از یک طرح بزرگ تبلیغی بود که می‌بایست در تمام جوانب پیاده شود. این طرح گسترده، پس از مدت کوتاهی، با شکست مواجه شده، سازمان پرورش افکار جایگزین آن

می‌شود.

به دیگر سخن، مؤسسه وعظ و خطابه، در این تحلیل، در داخل یک طرح گسترده تبلیغی جای دارد، و نمی‌توان از آن به عنوان یکی از راه‌های برخورد دولت حاکم با روحانیت نام برد.

در نوشتار حاضر، احتمال صحت تحلیل اول، یعنی این که مؤسسه وعظ و خطابه به عنوان راهی برای مبارزه با روحانیت تأسیس یافته بود، بیشتر در نظر گرفته شده است، و مبنای تحلیل مقاله، همین موضوع می‌باشد.

### توضیحات:

۱ - عیسی صدیق، تاریخ فرهنگ ایران، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۵۶۷. گنجینه تحقیقات ایرانی شماره ۲۵، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۴۹ ش.

۲ - یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۴، ص ۴۳۵-۴۲۵، از انتشارات کتابخانه ابن‌سینا، تهران، ۱۳۳۱ ش.

۳ - سینا واحد، قیام گوهرشده، ص ۳۷ و ۳۶، شرکت سهامی چاپخانه (وزارت ارشاد اسلامی)، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۱.

۴ - مجله تعلیم و تربیت در مرداد ماه ۱۳۱۷ ش به مجله آموزش و پرورش تبدیل شد.

۵ - عنوان موضوع «موسسه وعظ و خطابه، گامی به سوی انهدام روحانیت» می‌باشد. سینا واحد، همان منبع، ص: ۳۷ و ۳۶.

۶ - واقعه شیخ محمدرضا بافتی، در نوروز سال ۱۳۰۶ ش اتفاق افتاد، برای توضیح بیشتر رجوع شود به: مسعود بهنود، دولت‌های ایران از سید ضیاء تا بختیار ص ۹۵، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ اول، تهران، بهار ۱۳۶۶.

۷ - به عنوان نمونه: همین بند از تصمیمات اتخاذ شده در جلسه مشورتی معارفی سال ۱۳۱۵ ش چنین است:

راجع به تأسیس شعب مقدماتی معقول و منقول مقرر گردید در هریک از ایالات و ولایات آقایان روساء معارف، با فراهم شدن وسایل، به تأسیس شعب سابق‌الذکر اقدام نمایند، مشروط بر این که دروس این دبیرستان‌ها با شرکت لیسانس‌های جوان و فضیلتی دانشمند محلی به صورت جدی تنظیم گردد: مجله تعلیم و تربیت، سال ششم، شماره ۱، ص ۴۷.

۸ - محمدرضا شاه که در آن موقع ولیعهد بود، طی دیداری از مؤسسه وعظ و خطابه (در اواخر سال ۱۳۱۶ ش) چنین می‌گوید:

«لازم نیست که این نکته را تذکر دهم که چه اندازه وظیفه و تکلیف دانشجویان این دانشکده مهم است، همین قدر کافی است که این را بگویم که موضوع اصلی آنها جنگ و مبارزه برضد اوهام و خرافاتی است که سالیان دراز دماغ این ملت را فرسود، و ناتوان ساخته بود...»، مجله تعلیم و تربیت، سال هشتم، شماره ۱ و ۲، ص ۱۵۶.

۹ - اساس نامه و برنامه این دانشکده در تاریخ ۸ خرداد ماه سال ۱۳۱۳ ش از تصویب شورای عالی معارف گذشت. مجله تعلیم و تربیت، سال ششم، شماره ۱، ص ۱۴۴.

۱۰- اصطلاحی است که مهدی قلی هدایت (مخبرالسلطنه) به موضوع کشف حجاب داده است، به نقل از: حسین مکی، تاریخ بیست ساله، ج شش، ص ۲۶۸. نشر ناشر، تهران، ۱۳۶۲.

۱۱- ر. ک: حسین مکی، همان منبع، ص ۲۷۲-۲۵۱.

۱۲ و ۱۳ و ۱۴- منبع فوق، ص ۲۵۸-۲۵۳.

۱۵- سینا واحد، قیام گورشاد.

۱۶- تاریخ اسلام رسمی موضوع کشف حجاب، ۱۷ دی ۱۳۱۴ ش می باشد. و در روز نهم اسفند ماه ۱۳۱۴ ش علی اصغر حکمت طی سخنانی می گویند:

«عزید اوقاف که غالباً خلاف نظر و وقت صرف زندگانی عده ای از اشخاص جاهل بی سواد می شود، برای تهیه مجالس وعظ و خطابه، برطبق احتیاجات فعلی، به منظور تنویر افکار عده و... اختصاص داده شود...»  
مجله تعلیم و تربیت، سال ششم، شماره اول، ص ۴۶.

۱۷- در متن سند، قید ۲۵ سال شده است، درحالی که با توجه به اسناد دیگر به نظر می رسد، ۳۵ سال صحیح و کلمه ۲۵ سال یک اشتباه تایپی باشد.

۱۸- ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری الف)، کد ۵۱۰۰۶، پاکت

۴۹۷

۱۹- ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری الف)، کد ۵۱۰۰۶، پاکت

۶۱۰

۲۰- ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری الف)، کد ۵۱۰۰۶، پاکت

۴۹۷

۲۱- ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری الف)، کد ۵۱۰۰۶، پاکت

۶۱۳

۲۲- ر. ک: اسناد وزارت داخله، آلبوم ۴۷، پاکت: ۹۵۳.

۲۳- ر. ک: اسناد وزارت داخله، آلبوم ۴۷، پاکت: ۹۳۴.

۲۴- تاکید از متن است.

۲۵- وزیر داخله وقت حسین سیمی بود.

۲۶- ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری ب)، آلبوم ۱۹، پاکت ۴۰۴.

۲۷ و ۲۸ و ۲۹- ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری ب)، آلبوم ۲۰،

پاکت ۴۳۱.

۳۰- ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری ب)، آلبوم ۲۳، پاکت ۴۷۶.

۳۱- تاکید از متن است.

۳۲- ر. ک: اسناد وزارت داخله، آلبوم ۴۷، پاکت ۹۵۳.

۳۳- ر. ک: اسناد نخست وزیری، کد ۱۰۸۰۰۳.

۳۴- رئیس الوزرای آن زمان محمود جم بود.

۳۵- ر. ک: اسناد نخست وزیری، کد ۱۰۸۰۰۳.

۳۶- ر. ک: اسناد نخست وزیری، کد ۱۰۸۰۰۳.

۳۷- ر. ک: اسناد نخست وزیری، کد ۱۰۸۰۰۳.

۳۸- نخست وزیر وقت محمود جم بود.

۳۹- در اصل: جبهه.

۴۰- نخست وزیر وقت محمود جم بود.

۴۱- ر. ک: اسناد نخست وزیری، کد ۱۰۸۰۰۳.

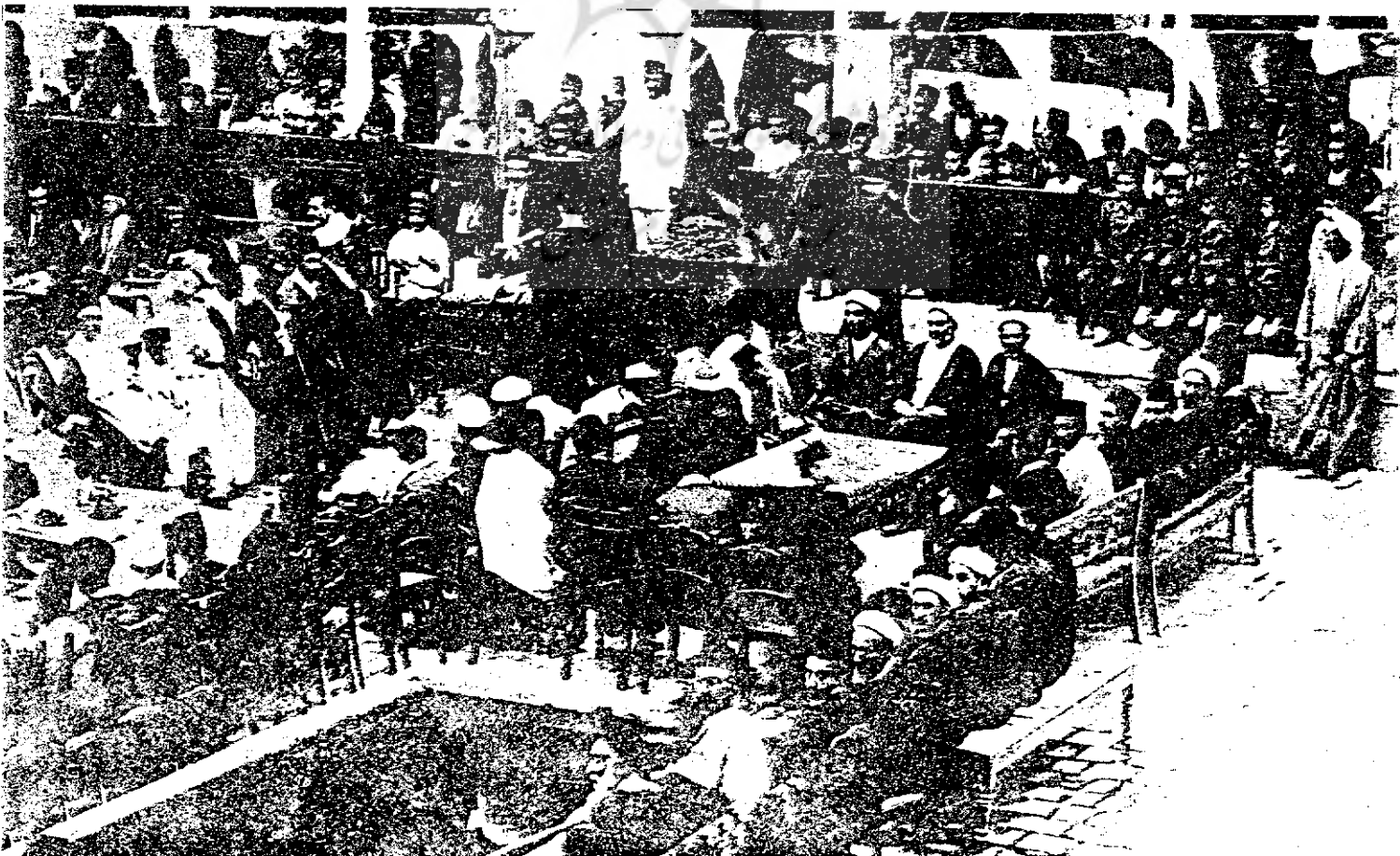
۴۲- نامه در اصل فاقد تاریخ است، ولی در زیر آن مهری با مضمون زیر

وجود دارد:

«ورود به دفتر ریاست وزراء، شماره ۱۵۳۰، تاریخ ۱۸/۲/۳».

۴۳- ر. ک: اسناد وزارت داخله، آلبوم ۴۷، پاکت ۹۵۳.

۴۴- ر. ک: اسناد وزارت داخله، آلبوم ۴۷، پاکت ۹۳۴.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

## سند شماره ۱

[وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمی مملکتی، ناحیه شرق، نظمی

مشهد، نمره ۷۲۱، ضمیمه ۲ به تاریخ ۱/۱۸ ماه ۱۳۰۸] ۲۲

نظر به احکام حضرت حجة الاسلام آقای سید ابوالحسن مجتهد اصفهانی دامت برکاته و مرحوم حجة الاسلام آقای شریعت اصفهانی طاب ثراه و سایر حجج الاسلام عتبات مقدسه جناب مستطاب شریعتمدار آقای آقا سید محمدرضا مجتهد بختیاری دامت افاضاته از پوشیدن لباس متحدالشکل معاف هستند - رئیس نظمی ناحیه شرق - سرهنگ نوائی [امضاء] نوائی [مهر] اداره نظمی ناحیه شرق ۱۳۰۵.

## سند شماره ۲

[وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمی مملکتی، دایره کابینه، نمره

۸، به تاریخ ۷ فروردین ۱۳۰۸] ۲۳

محرمانه است ۲۴

مقام محترم وزارت جلیله داخله ۲۵

بر اثر صدور و نسخه متحدالمال از مرکز راجع به اجرای قانون اتحاد شکل البسه از نظمی همدان راپرت می دهند کلیه معممین همدان که عده آنها بالغ بر ۱۳۵ نفر می باشد اجازه اجتهاد یا محدثی تحصیل کرده و از اداره حکومتی جواز ابتداء عمامه خود را دریافت نموده اند علاوه بر اینکه از معممین کسر نشده ممکن است با این ترتیب بر عده فعلی آنها نیز افزوده شود و به طوری که معلوم شده مجتهدینی که تصدیق محدثی به اشخاص می دهند بدون هیچ ملاحظه و دقت هرکس به آنها مراجعه می کند تصدیق می دهند و مایلند که بر عده معممین افزوده شود فعلاً به این طریق قضیه در جریان است و اجرای حکم با این حال صورت خوشی نداشته و نتیجه معکوس خواهد شد -

رئیس کل تشکیلات نظمی مملکتی - سرتیپ درگاهی - [امضاء]

در حاشیه سند آمده است:

## اداره دوم

شریحی در این خصوص لازم است به معاون حکومتی بطور محرمانه نوشته شود این روزها راپرت میدهند این عده کثیر از کجا مدعی اند چرا شما اینقدر در کارشان و در اجرای قانون مسامحه ورزیده اید البته توضیحات کافی در این خصوص بدهید و نهایت

دقت و مراقبت را در اجرای قانون بعمل بیاورید و الا مسئولیت شدید متوجه شما خواهد شد.

۸/۱/۸

## سند شماره ۸

[وزارت داخله، حکومت تهران ۳۱، ریاست الوزراء ۳۲]

عطف به مرقومه نمره ۳۵۱۱ راجع به رعایت سن آقایان پیش نمازها و دیگران که از ۳۵ سال بیشتر داشته باشند به استحضار محتره می رساند. اخیراً از وزارت معارف تقاضا شده است چون برای تشکیلات مجالس وعظ و خطابه مدرسه مخصوصی در دانشکده معقول و منقول تاسیس خواهد شد، و می خواهند از وجود جوانان محدث در مدرسه مزبور استفاده نمایند فعلاً معترض محدثینی که کمتر از چهل سال دارند نگردد. تا تکلیف آنان معین شود. چنانچه اجازه می فرمایند برای اجرای نظریه آن وزارت خانه به محدثین مزبور جواز موقتی شش ماهه داده شود تا هرکدام لایق قبول در مدرسه نباشند طبق امریه فوق با آنها رفتار شود.

## سند شماره ۹

[وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره تعلیمات اکابر، نمره

۴۴۷۶۰/۲۴۳۷، به تاریخ ۷/۲۹/ ماه ۱۳۱۵] ۳۳

مقام ریاست وزراء ۳۴

موسسه وعظ و خطابه که به موجب تصویب نامه نمره (۳۲۲۵) برای تربیت وعاظ صالح و لایق و تکمیل معلومات وعاظ فعلی باید تشکیل شود تأسیس و از روز ۲۵ مهر ماه رسماً شروع به کار کرده است برای اینکه داوطلبان ولایات به موجب ماده ۶ با اطمینان خاطر دروس موسسه را تعقیب نمایند متمنی است مقرر فرمائید به حکام ولایات دستور کافی صادر فرمایند که داوطلبان موسسه وعظ و خطابه را که ادارات معارف محلی معرفی خواهند نمود از حیث لباس مزاحم و معترض نشوند تا بتوانند دروس مدرسه را برای آنان ارسال نمود.

[امضاء علی اصغر حکمت

[مهر] وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه



ریاست وزراء، تاریخ تحریر ۱۱ آبان ماه ۱۳۱۵<sup>۳۶</sup>

## حکومت تهران و توابع

عطف به گزارش <sup>۱۵۷/۳۰</sup> ۱۱۱۴ در موضوع امتناع ۳۱ نفر از معممین برای معرفی در کلاس وعظ و خطابه اشعار می شود که از طرف وزارت معارف و اوقاف به ۳۱ نفری که حاضر نشده اند ابلاغ شود عمامه خود را بردارند والا توسط شهربانی اقدام می شود.  
رئیس الوزراء

## سند شماره ۱۱

[وزارت فرهنگ ۱۷/۱۱/۱۸] ۳۷

مقام منبع بندگان حضرت اشرف نخست وزیر دامت شوکت<sup>۳۸</sup> خاطر مبارک را معطوف می دارد اینجانبان به واسطه شدت علاقه به شاهنشاه محبوب و میهن عزیز خود و اطاعت از مقررات با توجه به ماده ۷ تصویب نامه هیئت وزراء مورخه ۱ بهمن ۱۴ و ماده ۴ تصویب نامه ۱۹ خرداد ۱۵ دو سال تحصیلی بنگاه وعظ و خطابه را با موفقیت در امتحانات و تحمل ضررهای مادی و غیره به پایان رسانیده برای اینکه بتوانیم در جامعه روح شاه پرستی و میهن دوستی و سلحشوری را با طرز نوین تزریق نمائیم تا روز پانزده بهمن ۱۷ نیز انتظار اعطای گواهی نامه های خود بوده متأسفانه در چنین روز وزارت فرهنگ از این غایت خودداری کرد این اشخاصی که مدت دو سال عمر را به رنج و زحمت به جهت<sup>۳۹</sup> تکمیل تحصیل گذرانیده با اشخاصی که از پی استفاده خود بودند مساوی است؟ یقین داریم در نظر بندگان حضرت اشرف مساوی نیست با آنکه خود حضرت اشرف نیز مضمی تصویب نامه نامبرده بوده اید لذا از آن مقام منبع تقاضای عاجزانه می شود امر و مقرر فرموده وزارت فرهنگ گواهی نامه های این بندگان را مرحمت فرمایند که آسوده خاطر مشغول دعا گوئی به ذات مقدس ملوکانه بوده باشیم

با تقدیم احترامات فائقه -

- از طرف جمعی فارغ التحصیلان بنگاه وعظ و خطابه -

## سند شماره ۱۲

مقام محترم منبع ریاست هیئت وزراء<sup>۴۰</sup> دامت عظمت و شوکت<sup>۴۱</sup> پس از تقدیم ادعیه خالصانه، معروض می دارم این بنده سید هاشم (هاشمی نجف آبادی) از بدو امر تا کنون شغلم مصروف به

تسلیم و ترویج و دعا گوئی به ذات مقدس ملوکانه در مقر خود نجف آباد صفهان و سایر بلاد بوده و هست. و به نحو قناعت خود و دوازده نفر عائله ام امرار معاش می نمودیم. و در بنگاه وعظ و خطابه شرکت نموده، مرتباً جزوات آن را اخذ، و طبق مفاد مقررات بنگاه مزبور رفتار نموده و می نمایم. لکن در اثر عدم اقتضای بودجه مسافرت به تهران و ابلاغ وزارت فرهنگ در سال اول در امتحان شرکت ننموده. سال دوم در خرداد ماه سال اول را امتحان داده مقرر شد که شهریور امتحان سال دوم داده شود که بنگاه مزبور برچیده شد و امتحان نکردند. فعلاً که وزارت فرهنگ به داوطلبان اعطاء گواهینامه می نماید. بنده را به جرم عدم اقتضای بودجه مسافرت و نبودن جلسه امتحان سال دوم برای اینجانب از اعطاء گواهینامه محروم فرموده اند نامه به وزارت مزبور تقدیم جواب یأس داده شد چون در ظل توجهات بندگان عیض حضرت همایونی این موقع مصادف است با اختر شادی والا حضرت و بنای آن مقام محترم دستگیری از فقراء و زیردستان به خصوص ذراری رسول بوده و هست برای صحت و استقامت ذات مقدس ملوکانه و احیاء عدّه از ذراری رسول و هدر نرفتن زحمات حقیر از مقام محترم تمنا دارم مقرر فرمائید وزارت مزبور گواهی نامه به اینجانب مرحمت که فارغ این اشتغال به دعا گوئی داشته باشم. بدیهی است، فعلاً هم برای امتحان طبق مقررات حاضریم و امیدوارم مایوس نخواهد فرمود. ۴۲ زیاده امر امر مبارک است.

## سند شماره ۱۴

وزارت کشور

اداره کل امور مرکز

مورخه ۲۰ دیماه/۱۳۱۸

اداره سیاسی

فرمانداری قم<sup>۴۴</sup>

محرمانه مستقیم

در پاسخ نامه شماره <sup>۱۸۷۶</sup> ۱۸۷۶ راجع به صدور پروانه مدرسین و محصلین بطوریکه از وزارت فرهنگ اشعار میدارند وزارت نامبرده در این امر فقط از جنبه تحصیلی و علمی مداخله نموده و از این لحاظ طرز عملی که تاکنون مجری بوده و هست بدین قرار است.  
۱ - کسانی که از مراجع مستم تقلید گواهی نامه اجتهاد دارند باید گواهی نامه های خود را به اداره آموزش عالی تسلیم نمایند تا در کمیسیون مخصوص رسیدگی و در صورتیکه تصویب گردد گواهی نامه اجتهاد از وزارت فرهنگ برای آنها صادر شود و البته گواهی نامه هائیکه مورد رسیدگی واقع نشده و به تصدیق وزارت فرهنگ نیز نرسید هیچگونه اعتبار و ارزشی نخواهد داشت.

۲- طلاب علوم دینی که در شهرستانها یا پایتخت تحت نظر ادارات فرهنگ به تحصیل مشغولند از ادارات فرهنگ گوهی نامه طلبه گی بری مدت یکسال دریافت مینمایند و اگر در آخر سال تحصیلی در جلسه امتحانی شرکت نمایند گواهی نامه آنها برای مدت یکسال دیگر هم تجدید میشود.

۳- طلابی که سال سوه علوم دینی (رشته معقول یا منقول) را امتحان داده و بموجب تصدیق هیئت ممتحنه و صورت شمارهها پذیرفته شده باشند بگرفتن گواهی نامه مدرسی نایل می شوند. جز به صیقات نامبرده بالا از وزارت فرهنگ گواهی نامه که با قانون البسه متحدالشکل مربوط باشد به کسی داده نمیشود.

راجع به دو طبقه از محدثین و معتمین که فرمانداری در پاریان گزارش خود اشعار داشته اند نسبتون تشخیص داد که در چه پایه و معلوماتی هستند نیز اشعری در اساساً کمیسیونهای تجدیدنظر برای تامین همین منظور تشکیل گردیده که به مدارک علمی این قبیل اشخاص رسیدگی و طبق مقررات استحقاق آنها در استعمال لباس روحانیت مسلم گردد. قدغن فرمائید از همین قرار رفتار نموده و نتیجه را اعلاه دارند.

رئیس دایره سیاسی کتبی اداره کل امور کشور از طرف وزیر کشور  
امضا  
۱۳۱۸.۱۰/۲۰  
۱۸/۱۰/۲۰

بتاریخ ۱۵/۱۱/۱۹

شماره ۲۵۱۷۹

۲۹۵۳۱

تیوست



وزارت داخله

موضوع اخطار بوعاظ راجع بحاضرین  
شدن در مؤسسه وعظ اداره کل شهربانی

محرمانه

ریاست وزرا

عطف بنامه شماره ۴۶۷ معروض میدارد بکلانتریها دستور داده شد بوعاظ و اهل منبر اخطار نمایند در صورت خودداری از تحصیل در مؤسسه وعظ و خطابه از پوشیدن لباس روحانیت ممنوع خواهند شد - رئیس اداره کل شهربانی - سرپاس مختار

تاریخ ۱۳۰۹ / ۱۳ / ۲۱  
شماره ۲۱ / ضمیمه شماره ۲



دوره کل تشکیلات نظمیہ مملکتی

ناحیہ شرقیہ

نظمیہ مشرق

دفتر

شعبہ

نظر بہ حکام حضرت قلمہ الامام آری علیہ السلام و حضرت قلمہ منہدیہ زہدیت برآمدہ در ورم ورم  
آری زہدیت منہدیہ طاب زہاد و یاری و بیخ الامام منہدیہ زہدیت زہدیت زہدیت  
آری زہدیت منہدیہ زہدیت زہدیت زہدیت زہدیت زہدیت زہدیت زہدیت زہدیت  
— زہدیت زہدیت زہدیت زہدیت زہدیت زہدیت زہدیت زہدیت زہدیت





وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

تاریخ و بسمه در ۱۳۱۴  
شماره ۸۴۴۴  
بسمه

۲۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
شماره ۱۳۱۴  
شماره ۸۴۴۴

هیئت وزراء در جلسه اول بهمن ماه ۱۳۱۴ بر طبق پیشنهاد نمره ۱۰۵۶/۵۱۰۳۱ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه نظر بلیزوم رفع نواقص نظامنامه امتحان طلاب و تشخیص مدرسون معقول و مقبول حسب ماده ۱۵ اسفند ۱۳۰۲ مواد ذیل را بجای نظامنامه سابق تصویب نمودند:

ماده اول - همه ساله در ماه خرداد جلسه امتحانات طلاب در مرکز و ولایات از طرف وزارت معارف منعقد خواهد گردید.

ماده دوم - مواد امتحان مطابق مقررات بهر نامه قسمت مفدماتی و نهائی دانشکده معقول و مقبول خواهد بود.

ماده سوم - هیئت متحنه از مدرسین و اساتیدان دانشکده معقول و مقبول انتخاب خواهد شد.

ماده چهارم - در ایالات و ولایات تا وقتی که دانشکده معقول و مقبول و قسمت مفدماتی آن تاسیس نگردیده متحنین بر حسب تشخیص اداره معارف تعیین خواهند شد.

ماده پنجم - امتحانات مدرسی و اعطاء درجه علمی دانشکده فقط در دانشکده معقول و مقبول در طهران بعمل خواهد آمد.

ماده ششم - طلابیکه در امتحانات غیر نهائی سالانه قبول میشوند تصدیقی از اداره تعلیمات مرکز و ادارات معارف ولایات دریافت خواهند نمود که درجه تحصیلات آنان در آن تصدیق قید شده باشد.

ماده هفتم - وزارت معارف یکسانیکه از هیئت امتحانات نهائی دانشکده معقول و مقبول برآید بر حسب پیشنهاد اداره دانشکده تصدیق مدرسی اعطاء خواهد نمود ولی درجه لیسانس فقط یکسانی داده میشود که بر طبق اساسنامه و مقررات داخل دانشکده شده و تحصیلات خود را ضابطه پایان رسانیده باشد.

ماده هشتم - معدنیکیکه مطابق بند (۶) از ماده دوم قانون متحد الشكل نمودن البسه من بعد اجازه روایت بدست آورند باید مدارک خود را بوزارت معارف ارائه دهند و وزارت معارف پس از تشخیص صلاحیت ایشان اجازه معدنی خواهد داد.

ماده نهم - اداره معارف تصدیق طلابی را که اشتغال بتمسک قسمت نهائی دارند همه ساله بجز در صدور در طهران بوزارت داخله و در ولایات که دانشکده تاسیس شده باشد ب اداره حکومتی ارسال می دارد که بر طبق آن تصدیق معانیت آنان را بموجب ماده دوم قانون دهم دیماه صادر کرده بشارالهی می بدهند. شاگردان نسبت متوسطه (مفدماتی) معقول خدرات نیز نخواهند بود.

ماده دهم - وزارت معارف مقررات امتحانات را طبق صورتجلسه شورای عالی معارف وضع و متوج اجرا خواهد گذاشت.

تاریخ و بسمه در ۱۳۱۴  
شماره ۸۴۴۴  
بسمه

ماده دهم - کسانی که بموجب نظامنامه امتحان طلاب و مدرسین حسب \* (اسفند ماه) پدیده مدرسی  
و محدثی نائل شده اند مشمول مقررات این نظامنامه نخواهند بود .  
ماده یازدهم - نظامنامه امتحان طلاب و تشخیص مدرسین علوم معقول و منقول مشتمل بر (۱۱) ماده که در  
جلسه اسفند ماه ۱۳۰۷ هجرت وزراء بتصویب رسیده بود از تاریخ تصویب این نظامنامه منغی خواهد بود .  
تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است .  
رئیس الوزراء .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## قسمت دوم - تربیت اکابر

### ۱ - اساسنامه

مصوب ۱۹ خرداد ۱۳۱۵

برای تربیت اکابر و روشن ساختن افکار عموم و هدایت افکار طبقه جوان و دانش آموزان کشور و آشنا ساختن عامه باوضاع عصر جدید ایران مقررات ذیل را هیئت وزراء در جلسه خرداد ۱۳۱۵ تصویب نمودند:

#### فصل اول - مجالس وعظ و خطابه

ماده ۱ - وزارت معارف و اوقاف برای تربیت اکابر مجالس وعظ و خطابه در تمام نقاط تأسیس مینماید.

ماده ۲ - در مرکز و ولایات از میان واعظ و اهل منبر کسانی که بر حسب تصدیق اداره شهربانی سوء سابقه نداشته باشند و معلومات کافی برای وعظ و خطابه داشته باشند از طرف وزارت معارف تعیین خواهند شد.

ماده ۳ - وزارت معارف و اوقاف حقوق واعظ و مخارج مجالس وعظ و خطابه را از محل اوقاف مجهول المصروف متعذر المصروف - تربیات مطلقه تأمین و برطبق نظامنامه که برای استخدام واعظ وضع مینماید پرداخت خواهد نمود.

ماده ۴ - برای تربیت واعظ صالح و لایق در دانشکده علوم معقول و منقول مدرسه مخصوص وعظ و خطابه از طرف وزارت معارف تأسیس خواهد شد.

ماده ۵ - وزارت معارف برنامه تحصیلات آن مدرسه را تهیه کرده پس از تصویب شورای دانشگاه بموقع اجراء خواهد گذارد.

ماده ۶ - دروس مدرسه وعظ و خطابه برای وعاضی که از طرف وزارت معارف در ولایات تعیین میشوند مرتباً ارسال خواهد شد و آنها مکلفند دروس مزبور را حاضر نموده در امتحانات نهائی این شعبه شرکت نمایند.

پس از خاتمه دوره اول مدرسه وعظ و خطابه فقط کسانی حق وعظ خواهند داشت که یا امتحانات مربوط باین شعبه را گذرانده و یا بر طبق ظلمنامه مخصوص جواز وعظ داشته باشند.

### فصل دوم - کنفرانسهای عمومی

ماده ۷ - وزارت معارف در هر يك از شهرها چند محل مناسب برای ایراد خطابه تعیین خواهد نمود.

ماده ۸ - در این مجالس خطابه هائی در زمینه مسائل تاریخی اخلاقی - صحی - ادبی - اجتماعی و اصول تجدد خواهی و میهن پرستی و شاه دوستی و آشنا نمودن عموم بترقیات روز افزون کشور در عصر جدید ایراد خواهد شد.

ماده ۹ - حضور در مجالس خطابه برای عموم آزاد است ولی مخصوصاً اولیای دانش آموزان برای استماع خطابه دعوت می شوند و تذکرات لازم راجع بحاضر کردن اطفال برای مدرسه بآنها داده خواهد شد تا از لحاظ اجرای مقررات تعلیم و تربیت با اولیای مدارس توجید مساعی وهمفکری نمایند.

ماده ۱۰ - کسانی که برای ایراد خطابه در نظر گرفته میشوند



ماده ۱۶ - وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه موظف است نظامنامه های مربوط باین اساسنامه را تهیه نمود و بموقع اجراء بگذارد .

تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است .  
رئیس الوزراء

سند شماره ۵

### اصلاح ماده سوم اساسنامه

مصوب ۶ تیر ۱۳۱۵

هیئت وزراء در جلسه ششم تیر ماه ۱۳۱۵ تصویب نمودند که عبارت « برای استخدام و عاظ » در آخر ماده سوم تصویب نامه نمره ( ۳۲۲۵ ) ۱۹ خرداد ۱۳۱۵ بجارت « برای کمک بمیشت و عاظ » تبدیل و تصحیح شود .

تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است .  
رئیس الوزراء

## ۳- اساسنامه تحصیلات مؤسسه تکمیلی و عظم و خطابه

مهر ۲ شهریور ۱۳۱۵

ماده اول - بد تشکله علوم معنوی و منقول مؤسسه برای تکمیل و عظم و خطابه منظم میگردد.

ماده دوم - موادی که محصلین این مؤسسه باید تحصیل کرده و امتحان دهند عبارت است از :

۱- مواد مشترک سال اول و دوم .

علوم ادبی (صرف و نحو و قرائت و حفظ منتخبات از آیات قرآن و خطب و اشعار فصحاء فارسی زبان) در هفته ۴ ساعت

اخلاق « ۱ »

تفسیر « ۲ »

تاریخ ایران و عالم « ۲ »

علم الحدیث « ۲ »

۳ - مواد اختصاصی سال اول

تاریخ ملل و نحل در هفته دو ساعت

فیزیک « ۱ »

تاریخ طبیعی « ۱ »

حفظ اصح « ۱ »

- معرفه النفس  
در هفته ۱ ساعت
- ۳ - مواد اختصاصی سال دوم
- تعلیمات مدنی  
در هفته ۱ »
- هیئت  
» ۱ »
- تعلیم اصول و مواد نطق و خطابه  
» ۲ »
- تدبیر منزل و سیاست مدن  
» ۱ »
- ماده سوم - شرط ورود باین مؤسسه حداکثر سن ۲۵ سال  
و داشتن معلومات فارسی و عربی در حدود دوره دوم متوسطه  
خواهد بود.
- تبصره ۱ - کسانی از اهل منبر در مرکز یا ولایات که از ۲۵  
سال بیشتر داشته باشند در این مؤسسه حق ورود دارند و در صورتیکه  
لذ عهد امتحانات مقرر بر آیند باخذ گواهی نامه و خطابه نائل  
خواهند شد.
- تبصره ۲ - دانشکده دروس طبع شده و وظائفی را که معین گردیده  
بنحو مقتضی در دسترس داوطلبان مرکز و ولایات خواهد گذاشت
- ماده ۴ - در طول مدت تحصیلی بدستور استادان از طرف  
محصلین خطابه هائی ایراد و انتقاد خواهد شد.
- برای این خطابه ها نمره داده شده و در آخر سال با معدل جمع  
می گردد.
- تبصره - ورود اشخاص در مجالس تمرین ممنوع نخواهد بود
- ماده ۵ - بمحصلین دانشکده علوم معقول و منقول نیز در صورتی  
که مواد اضافی این برنامه را امتحان داده و تمرینات را انجام دهند  
گواهی نامه داده خواهد شد.

ماده ۶ - هیئت معلمین مؤسسه مواد تفصیلی برنامه را همساله تعیین و بعد از تصویب شورای دانشکده علوم معقول و منقول بموقع اجرا میگذارد.

ماده ۷ - بشورای دانشکده علوم معقول و منقول اجازه داده می شود که بموجب پیشنهاد هیئت معلمین در ساعات دروس و مواد تفصیلی برنامه عنداللزوم تفسیراتی بدهد.

اساسنامه برطبق ماده هفتم تصویبنامه هیئت وزراء مورخ اول بهمن ۱۳۱۴ در تاریخ دوم شهریور ۱۳۱۵ در بیست و هشتمین جلسه شورای دانشگاه طهران تصویب شد.

رئیس دانشگاه  
علی اصغر حکمت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

اصل برنامه و دستور تعلیم اکابر و نظامنامه مدارس شبانه اکابر و نظامنامه طرز انتخاب و پیشنهاد و پرداخت حق الزحمه کارکنان مدارس شبانه اکابر دولتی در دهن اداره تعلیمات اکابر ضبط است.

رئیس تعلیمات اکابر  
فرهودی

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
شماره ۱۵۷۹۲

تاریخ ۱۳۱۶ م / ۱۱ / ۱۵  
شماره ۱۵۷۹۲ / شنبه روز دوشنبه

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

تعمیرات انبار

۲۰

مقام ریاست وزراء

پیرونامه های سابق محتوای یک وره از دروس مؤسسه حفظ و خطابه

شام بنزوات ذیل که جدیداً منتشر شده

- ۱- سال دوم معرفت النعمان از صفحه ۶۷ تا صفحه ۱۰۰
- ۲- سال دوم فارسی از صفحه ۹ تا صفحه ۱۶
- ۳- سال دوم شیمی از صفحه ۹ تا صفحه ۲۴
- ۴- سال دوم تاریخ پیش از اسلام از صفحه ۱ تا صفحه ۱۶
- ۵- سال دوم اخلاق از صفحه ۱ تا صفحه ۱۶

برای ملاحظه انعام بد میمه تقدیم میشود متمنی است مقرر فرمایند

و به اول آنرا اعلام فرمایند -

وزیر معارف و اوقاف

از طرف



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
تاریخ ۱۳۱۶ / ۱۱ / ۱۵  
شماره ۱۵۷۹۲

سند

۱۵۷۹۲



حکومت طهران

نمره .....

تاریخ .....

ضمیمه .....

ریاست وزراء

عطف بمرورده نمره ۳۵۱۱ راجع برعایت سن تمامان پیش نمازها و دیگران که از ۳۵ سال بیشتر داشته باشند باستحصار محترم میرساند . اخیرا از وزارت معارف تقاضا شده است چون برای تشکیلات مجالس وعظ و خطابه مدرسه مخصوص در دانشگاه و مکتول و مندول ناسپس خواهد شد و میخواهند از وجود جوانان محدث در مدرسه مزبور استفاده نمایند فعلا متعرض محدودیت که کمتر از پهل سال دارند نگردد تا تکلیف آنان معین شود . چنانچه اجازه مفرمانند برای اجرای نظریه ان وزارتخانه به محدودیتن مزبور جواز موقتی نشش ماهه داده شود تا هر کدام لایق قبول در مدرسه نباشند طبق امریه فوق با انصار رفتار شود .



۲۱-ل

تاریخ ۷/۲۹ ماه ۱۳۱۵

۲۴۶۶۰

نمره ۲۴۳۷۷ ضمیمه

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره ثبت اسناد

دایره

سقام ریاست در راه

در سه خط خطی که بر حسب سند شماره (۳۲۳۵) برایت صادر شده

در دفتر ثبت اسناد و اوقاف و صنایع مستظرفه در روز ۲۵ شهریور ۱۳۱۵

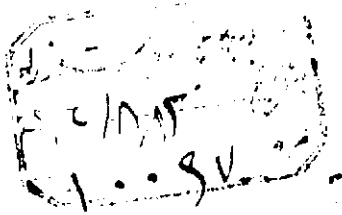
رأی شرح بقا در کتب است برای این دارالطبیان و مدت بر حسب ماده ۶

با این دارالطبیان خاطر در این رساله در تعلیق نامه تمسک است مورد توجه کما

در مدت و در صورتی که در این دارالطبیان در سه خط خطی در این

در درازت سایر متن سرفه خواننده نمود از این جهت برای تمام کتب

با عنوان در این رساله در برای این دارالطبیان



Handwritten signature or note

سند شماره ۱۰

نوع مسودد نامه  
موضوع مسودد  
ضمیمه  
مستور با کتوویس



ریاست وزراء

تاریخ شعری  
تاریخ حضور  
کارت  
در...

تاریخ حضور در ۱۱/۱۰/۱۳۱۵ تاریخ با کتوویس ماه تاریخ ثبت ماه ۱۳

کلیت طریقه و تاریخ

مجلس کتوویس شماره ۴۱۱۳ در مجمع آتی ۳۱ نفر از مسجین به سرکردگی دکتر  
دختر به ۲۲ نفر در ۱۵/۷/۳۰  
به ریاست آقای دکتر...  
به ریاست آقای...  
به ریاست آقای...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



تاریخ: ۱۳۲۲  
شماره: ۱۳۸۵۶



وزارت کشور ۵۹۸۷  
استاداری هفتم

۹۱۱۳

تجدید نظر وزارت کشور  
شماره: ۹۵۲  
تاریخ: ۱۳۲۲  
وزارت کشور

آقای شیخ محمد جواد مصلح که از اجله علماء شیراز و از لحاظ  
مراتب فاضلی و معنوی و مرجعیت مورد قبول عامه میباشند در خواست  
پروانه و عطف و خطابه مینمایند اینک با نظر موافق منضم است  
مقرر فرمایند با مذاکره با وزارت فرهنگ پروانه مورد درخواست  
را برای ایشان صادر فرمایند.

کفیل استانداری هفتم

کوشا

دکتر پروانه را که با وزارت کشور و فرهنگ  
مقرر شده در حال نمونه صادر  
ادوات است در نزد راجه و وزیر فرهنگ  
توجهت فرمایند وزارت فرهنگ  
معاونت فرهنگ



وزارت داخله

اداره اسناد و کتابخانه ملی

دایره

تاریخ بکاربردن سند

شماره سند ۱۱۴

Handwritten notes and signatures in Persian script, including 'وزارت داخله' and 'اداره اسناد و کتابخانه ملی'.

Main body of the document containing Persian text regarding administrative procedures, dates, and official actions.

Official stamp or seal on the left side.

Official stamp with handwritten numbers '۱۵/۸/۲' and '۹۷۴'.

Handwritten numbers '۲۵' and '۳۰' with a horizontal line.

Handwritten number '۱۶۱'.

اداره محترم

اداره



# وزارت کشور

۱۳۱۱

نسخه

شماره ..... مورخه ۴/۱۱/۱۳۱۱ وزارت که اصل آن شماره ..... ثبت شد

کتابه

فرمان رقم

درین باره نامه ۱۴۶۶ تاریخ به عدد برادار درین و محلفین بفرمان وزارت فریبک شماره درین  
 ۱۱ ه ۳  
 است بفرموده درین امر نفع از نفعه نفع علم و نفعه نفعه و درین نامها ط عرض و تاکنون محو بفرموده است  
 ۱ - تا بعد از این علم حکم که این نام اجتهاد دارند باین گواهی نام در خود با اداره آفرین عالی آفرین  
 تا درین امر در صورتی که گواهی نام اجتهاد از وزارت فریبک بر اینها درین راه  
 علم و درین امر در صورتی که گواهی نام اجتهاد از وزارت فریبک بر اینها درین راه  
 ۲ - نفع و درین امر در صورتی که گواهی نام اجتهاد از وزارت فریبک بر اینها درین راه  
 گواهی نام حکم که این نام اجتهاد از وزارت فریبک بر اینها درین راه  
 آفرین بفرموده است که این نام اجتهاد از وزارت فریبک بر اینها درین راه  
 ۳ - طبع و درین امر در صورتی که گواهی نام اجتهاد از وزارت فریبک بر اینها درین راه  
 در صورت نامه این نفعه که باین گواهی نام اجتهاد از وزارت فریبک بر اینها درین راه

۱۳۱۱



دارو

# وزارت کشور

روز و شب ..... شماره ..... مورخه ..... وزارت کشور که اصل آن بشماره ..... ثبت شد

فوجیهات باره بعد از وزارت فوجیهات گواہ نامہ با قانون ابہ کہ بعض شرط ہست  
بین عدالت

بصورتی کہ اندکی در زمین و زمین در میان گران ہندوستان ہندوستان ہندوستان ہندوستان  
بصورتی کہ ہندوستان ہندوستان ہندوستان ہندوستان ہندوستان ہندوستان ہندوستان ہندوستان  
ہندوستان ہندوستان ہندوستان ہندوستان ہندوستان ہندوستان ہندوستان ہندوستان

از دفتر ان ... گاہ علم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

روز و شب

تعمیرات ادارہ ہندوستان

روز و شب